

تبلیغ و تفریح

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره دوم

بهار و تابستان ۱۴۰۲

روش ام سلمه همسر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عزاداری برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

حجت الاسلام والمسلمین وحید خورشیدی *

«أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا»^۱

مقدمه

ام سلمه یکی از همسران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در عصر خود از محدثان و فقیهان به شمار می‌رفت. او پس از رحلت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از حریم ولایت دفاع کرد و نزد ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام از جایگاه والایی برخوردار شد تا آنجا که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هنگامی که به عراق می‌رفت، کتاب‌های رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را که نزد ایشان بود، به ام سلمه سپرد و هنگامی که علی عَلَيْهِ السَّلَام به شهادت رسید، او آنها را به فرزندش امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام و امام عَلَيْهِ السَّلَام آنها را بعد از خود به برادرش امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام داد.

نقل خبر شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

بنا بر نقل برخی از کتاب‌ها، صحابه بزرگوار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از آگاهی از حوادثی که در آینده اتفاق خواهد افتاد، برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام عزاداری کرده بودند.^۲ از جمله کسانی که خبر شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است، ام سلمه بود؛ او داستان گریه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای حسین را اینگونه روایت می‌کند: روزی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خانه من بود، فرمود: هیچ کس حق ورود به حجره مرا ندارد. بیرون اتاق منتظر بوم تا اجازه ورود صادر شود؛ در همین حال امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام محضر پیامبر رسید، صدای گریه از درون اتاق به گوشم رسید. حس جستجو و ادارم نمود تا نگاهی به درون اتاق بیندازم؛ دیدم حسین بر زانوی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشسته است و پیامبر

* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم عَلَيْهِ السَّلَام.

۱. احمد ابن حنبل، مسند، ج ۲۹، ص ۱۰۳.

۲. جعفر ابن قولویه، کامل الزیارات، ج ۱، ص ۶۹؛ محمد بن علی شیخ صدوق، الامالی، ج ۱، ص ۶۹۴.

دست بر پیشانی اش می‌کشد و اشک می‌ریزد. عرض کردم به خدا سوگند من از ورود حسین به خانه مطلع نشدم تا از وارد شدن به حجره شما جلوگیری کنم. حضرت فرمود: اکنون جبرئیل علیه السلام با ما بود و از من سؤال کرد: یا رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا حسین ات را دوست می‌داری؟ گفتم: آری. جبرئیل گفت: به زودی امت تو او را در سرزمینی که به آن کربلا گفته می‌شود، به قتل می‌رسانند. بعد از این سخن قدری از تربت آن را به من نشان داد.^۱

همی درباره سند روایت گوید: «رواه الطبرانی بأسانید و رجال أحدها ثقات؛^۲ این روایت را طبرانی با چند سند نقل کرده است و رجال یکی از سندها ثقة هستند». شبیه این روایت از عایشه نیز نقل شده است.^۳

این تربت بر اساس روایات دیگر در دست ام سلمه بود^۴ که روز عاشورا با خونی شدن آن متوجه شد امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده است.

طبرانی روایتی در این باره را که به روایت «قاروره» معروف است، اینگونه نقل کرده است: ام سلمه گوید حسن و حسین علیه السلام در خانه من و در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله به بازی مشغول بودند. در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد، پس از رحلت تو، امت این فرزند را [و اشاره به حسین علیه السلام کرد] شهید می‌کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست و حسین علیه السلام را به سینه چسبانید. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله تربتی را که جبرئیل از مرقد شریف حسین علیه السلام آورده بود، در دست گرفت و بویید و فرمود: بوی کرب و بلا از آن به مشام می‌رسد؛ آن‌گاه آن خاک را به دست ام سلمه سپرد و فرمود: ای ام سلمه، مواظب باش و بدان که هر گاه این تربت مبدل به خون گردید، فرزندم حسین علیه السلام به شهادت رسیده است. ام سلمه تربت را در شیشه‌ای ریخت و هر روز به آن تربت نگاه می‌کرد و می‌گفت: ای خاک، روزی که به خون تبدیل گردی، آن روز، روز عظیمی خواهد بود.^۵

روایت دیگری مانند روایت ام سلمه با سند صحیح از ابن عباس نیز نقل شده است. طبق این روایات گروهی از مورخان بر این باورند که خبر شهادت سیدالشهداء و یارانش در کربلا، برای نخستین بار توسط ام سلمه همسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مدینه اعلام شد؛ بدین ترتیب که ام سلمه

۱. سلیمان طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۸۹.

۲. علی هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۹.

۳. سلیمان طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۰۷.

۴. همان، ص ۱۰۹.

۵. همان، ص ۱۰۸.

روش ام سلمه همسر پیامبر ﷺ در عزاداری برای امام حسین ﷺ. ■ ۴۳

پس از عاشورا رسول خدا ﷺ را در خواب دید که غم‌بار و سر و صورتش غبارآلود است؛ چون علت را جویا شد، پیامبر خدا ﷺ پاسخ داد: از کربلا و از مراسم به خاک‌سپاری حسین می‌آیم. همچنین او وقتی به شیشه‌ای که در آن مقداری از خاک کربلا بود نگرست، دید آن خاک خونین است و فهمید که حسین ﷺ را کشته‌اند.^۱

روش‌های ام سلمه برای برپایی مراسم عزادای

ام المؤمنین ام سلمه که دارای شخصیت عالمه و فهیمه و کمالات و فضایل بسیار بالا بود، با روش‌های مختلف عزاداری برای امام را اقامه می‌کرد و به فرهنگ‌سازی این عمل بین مردم پرداخت؛ در ادامه این نوشتار به برخی از این روش‌ها پرداخته خواهد شد.

الف) اولین بانی برگزاری مجلس عزا در مدینه

نخستین مرثیه‌سرا و اقامه‌کننده مجلس عزا در مدینه پس از شهادت امام حسین ﷺ ام سلمه بود. یعقوبی در این باره می‌نویسد: نخستین ضجه‌زننده‌ای که در مدینه، ضجه‌اش [بر حسین ﷺ] بلند شد، ام سلمه بود؛ چون پیامبر ﷺ شیشه‌ای از تربت قبر حسین را به او سپرده و فرموده بود: «جبرئیل مرا آگاه کرد که اتم حسین را می‌کشند و این تربت را به من داد» و ام سلمه گفت پیامبر ﷺ به من فرمود: «هر گاه این خاک به خون تازه بدل شد، بدان که حسین کشته شده است» و این خاک نزد او بود تا آن‌گاه که لحظه موعود فرا رسید و او دم‌به‌دم به این شیشه نظر می‌کرد و چون شیشه را خونین دید، ناله «وا حسینا» و «یا ابن رسول الله ﷺ» سر داد و زنان اطراف با او هم‌صدا شدند و شیون و زاری به گونه‌ای بی سابقه سراسر مدینه را فرا گرفت.^۲

همچنین از امام صادق ﷺ درباره گریه ام سلمه چنین نقل شده است: روزی صبح ام سلمه گریه می‌کرد، به او گفته شد از چه می‌گریی؟ گفت: دیشب فرزندم حسین کشته شد؛ زیرا از زمانی که رسول خدا ﷺ وفات یافته بود، حضرتش را ندیده بودم جز دیشب که آن حضرت را بسیار لاغر و رنگ‌پریده و غمگین دیدم؛ عرض کردم ای رسول خدا، چرا شما را رنگ‌پریده و غمگین می‌بینم؟ فرمود: دیشب یکسره مشغول کندن قبر برای حسین و یاران او [علیهم السلام] بودم.^۳

۱. محمد حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۴، ص ۴۳۹.

۲. احمد یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳. محمد بن محمد مفید، الأمالی، ص ۳۱۹.

در منابع مهم اهل سنت نیز جریان گریه ام سلمه و نقل عزاداری رسول خدا ﷺ بعد از شهادت امام حسین علیه السلام توسط ایشان نقل شده است. سلمی می گوید: بر ام سلمه وارد شدم؛ در حالی که ایشان گریه می کردند، عرضه داشتم چرا گریانید؟ ایشان فرمودند: رسول خدا را در خواب دیدم؛ در حالی که موهای سر و محاسن ایشان خاک آلود بود، عرضه داشتم یا رسول الله، شما را چه شده است [چرا شما را به این حالت می بینم]؟ ایشان فرمودند: هم اکنون شاهد کشته شدن حسین بودم.^۱

ب) تشویق مردم برای برپایی مجلس عزرا

بعد از شیون و ناله های ام سلمه، مردم از فغان بلند او به خانه ایشان رفتند و از جریان شهادت امام آگاه شدند؛ ام سلمه به آنها گفت بیاید و در برپایی عزرا من را کمک کنید؛ بنابراین همگی در آن روز به عزاداری پرداختند. ابن عباس در این باره می گوید: در آن بینی که من در منزل خواب بودم، ناگاه صدای گریه و فریادی از خانه ام سلمه شنیدم: من خارج شدم و راهنمای من مرا به سوی منزل ام سلمه برد و مرد و زن اهل مدینه هم متوجه منزل وی شدند. وقتی به ام سلمه رسیدم، به وی گفتم: یا ام المؤمنین، تو را چه شده است که فریاد می زنی و ناله می کنی؟ او جواب مرا نگفت. بعداً متوجه زنان بنی هاشم شد و گفت: ای دختران عبدالمطلب، بیایید مرا در گریه کردن یاری کنید؛ به خدا قسم آقای شما و بزرگ جوانان اهل بهشت شهید شده است. به خدا قسم که سبط و ریحانه پیامبر خدا حسین کشته شده است. من گفتم: یا ام المؤمنین، تو این موضوع را از کجا دانستی؟ گفت: پیغمبر خدا را در حالی در خواب دیدم که ژولیده مو و هولناک بود. به آن حضرت گفتم این چه حالی است؟ فرمود: امروز پسر من حسین و اهل بیتش شهید شدند؛ الآن از دفن آنان فراغت یافته ام. ام سلمه می گوید: من برخاستم و با حالتی مجنون وار داخل خانه شدم و به آن تربتی نظر کردم که جبرئیل از کربلا آورده بود و گفته بود هر وقت این تربت به خون تبدیل شد، بدان که پسر ت کشته شده است. آن تربت را پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به من داد و فرمود: این تربت را میان شیشه بگذار و نزد خود نگاه دار؛ هنگامی که به خون تازه تبدیل شد، حسین شهید شده است. اکنون من آن شیشه را دیدم که خون تازه از آن می جوشد. ام سلمه از آن خون برداشت و به صورت خود مالید. آن روز روز ماتم و نوحه برای امام حسین علیه السلام شد. وقتی خبر آوردند که حسین شهید شده است، معلوم شد در همان روز بوده است ...^۲

۱. محمد ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۵۷.

۲. محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۳۱۵؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۳۰.

روش ام سلمه همسر پیامبر ﷺ در عزاداری برای امام حسین ﷺ. ■ ۴۵

این جریان با عبارت دیگری نیز در کتب اهل سنت نقل شده است. ابن کثیر در این باره می نویسد: شهر بن حوشب می گوید من نزد ام سلمه بودم که ناگهان زنی فریاد زد و تا اینکه رفت پیش ام سلمه و گفت: حسین کشته شد! ام سلمه گفت: این کار را انجام دادند و حسین را کشتند؛ خداوند گورها و خانه‌هایشان را پر از آتش بگرداند. تا اینکه آن زن بیهوش شد و ما نیز بلند شدیم.^۱ در عبارت دیگر آمده است ام سلمه قاتلان را برای شهادت امام مورد لعن قرار داد.^۲

نکات کاربردی

الف) از این نقل‌ها روشن می‌شود ام سلمه با صدای بلند به عزاداری و ناله پرداخت؛ به گونه‌ای که همه اهل مدینه این ناله را شنیدند و به خانه ایشان رفتند تا از علت این شیون و ناله آگاه شوند؛ بنابراین بعد از اینکه مردم از خبر دادن ام سلمه از شهادت امام آگاه شدند، همه در خانه ام سلمه جمع شدند و به عزاداری پرداختند. این حرکت و روش ام سلمه نشان از آن است که مردم باید در مجلس عزای امام شرکت کنند.

ب) این نقل‌ها نشان‌دهنده اهمیت برپایی مراسم در منازل است؛ هر چند برگزاری مجلس امام حسین ﷺ در مساجد دارای اولویت است.

ج) صحابه و سیاه‌پوشی در عزا

سیاه‌پوشی در عزا در حقیقت تأسی به سیره پیامبر و اهل بیت ﷺ است و این امر در صدر اسلام نیز مرسوم بوده است؛ برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. سیاه‌پوشی در شهادت جعفر طیار

جعفر طیار پسر عموی پیامبر و یکی از یاران مخلص و بازوی پرتوان سپاه اسلام بود که در جنگ «موته» به شهادت رسید. شهادت ایشان پیامبر را در سوگ نشانده؛ بنابراین حضرت برای هم‌دردی به خانه جعفر می‌رفت و آنها را دل‌داری می‌داد و به اسماء بنت عمیس همسر جعفر دستور داد در عزای شهادت همسرش جامه سیاه بپوشد. احمد حنبل در این باره چنین نقل می‌کند: اسماء بنت عمیس می‌گوید: هنگامی که جعفر به شهادت رسید، رسول خدا به من فرمود سه روز جامه عزا در بر کن.^۳

۱. اسماعیل ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۲۰۱.

۲. احمد ابن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۸۵.

۳. احمد ابن حنبل، مسند، ج ۶، ص ۴۳۸، ح ۲۷۵۰۸.

۲. سیاه‌پوشی امام حسن علیه السلام در شهادت پدرش

امام حسن علیه السلام در فردای خاک‌سپاری حضرت علی علیه السلام میان مردم سوگوار کوفه حاضر شدند و خطبه‌ای ایراد کردند. ایراد سخن آن حضرت در حالتی بود که ایشان با لباس مشکی و عمامه سیاه میان مردم ظاهر شد و از فضایل بی‌نظیر آن حضرت سخن به میان آورد.^۱

۳. سیاه‌پوشی اهل بیت در شهادت امام حسن علیه السلام

زنان بنی‌هاشم در سوگ امام حسن علیه السلام يك سال زینت را ترك کردند و لباس سیاه پوشیدند.^۲

۴. سیاه‌پوشی اهل بیت در شهادت امام حسین علیه السلام

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، اهل بیت در شام عزاداری کردند و لباس سیاه پوشیدند؛ هنگامی که صبح شد، یزید حرم و اهل بیت رسول خدا را خواست و به ایشان گفت: دوست دارید نزد من بمانید یا به جانب مدینه مراجعت نمایید؛ من جایزه فراوانی به شما خواهم داد. آنان گفتند: ما دوست داریم برای امام حسین علیه السلام عزاداری کنیم. یزید گفت: هر چه در نظر دارید، انجام دهید؛ سپس حجره‌هایی در دمشق برای آنان تخلیه شد و مشغول عزاداری شدند. هیچ زنی هاشمی و قریشی نماند مگر اینکه در ماتم امام لباس سیاه پوشیدند.^۳

همچنین بعد از اینکه اهل بیت امام حسین علیه السلام از کوفه و شام به مدینه برگشتند، زنان بنی‌هاشم لباس‌های سیاه و جامه‌های خشن مویرین پوشیدند و علی بن الحسین علیه السلام به دلیل (اشتغال آنان به) مراسم عزاداری، برای‌شان غذا آماده می‌کرد.^۴

ام سلمه و سیاه‌پوش شدن در عزای امام

ابونعیم با سند خود نقل کرده است: «وقتی خبر کشته شدن حسین علیه السلام به ام سلمه رسید، در مسجد النبی خیمه‌ای بنا کرد و در آن نشست؛ در حالی که سیاه پوش بود. در نقل دیگری آمده است او مقنعه سیاه پوشیده بود.^۵ همچنین حسن بن علی بن محمد مقنعی با اسنادی از حمید

۱. همو، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۰۰.

۲. محمد حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۸۹.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۷.

۴. احمد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۰.

۵. قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۱۷۱.

روش ام سلمه همسر پیامبر ﷺ در عزاداری برای امام حسین ﷺ. ■ ۴۷

بن عبد الله اصم نقل می‌کند: هنگام کشته شدن حسین ﷺ برای ام سلمه خیمه‌ای بنا شد در مسجد النبی و او مقنعه و رو بندی بلند داشت به رنگ سیاه.^۱

د) تبیین جایگاه اهل بیت در عزاداری

پس از خیر شهادت امام، ام سلمه قاتلین را لعن کرد و با استناد به آیه تطهیر، مقام و منزلت حضرت سیدالشهداء ﷺ را نیز یادآور شد. احمد بن حنبل می‌نویسد: ابن حوشب گفت از ام سلمه شنیدم وقتی خبر شهادت حسین بن علی رسید، قاتلینش را لعنت کرد و گفت او را کشتند، خداوند آنان را بکشد؛ به او نیرنگ زدند و او را خوار کردند؛ خداوند آنان را لعنت کند؛ چراکه دیدم فاطمه ﷺ یک روز صبح با ظرفی سنگی که در آن برای پیامبر عصیده‌ای درست کرده بود و بر طبقی حمل می‌کرد، نزد رسول خدا آمد و آن را در مقابل ایشان قرار داد. پیامبر به او فرمود: پسر عمویت کجاست؟ عرض کرد در منزل است. پیامبر فرمود: برو او را دعوت کن و فرزندان او را به اینجا بیاور. حضرت فاطمه رفت و بازگشت در حالی که دست هر کدام از حسنین را با یکی از دستان خود گرفته بود و آنها را به دنبال خود می‌کشید. علی ﷺ نیز به دنبال ایشان می‌آمد تا اینکه بر رسول خدا وارد شدند. پیامبر حسنین را به آغوش گرفتند و بر پای مبارک خود نشاندهند؛ علی را در سمت راست و فاطمه را در سمت چپ خود نشانید. پیامبر از زیرم عبایی خبیری را که جای خواب و زیراندازمان بود برداشت و آن را بر روی همه ایشان کشید و با دست چپ دو طرف عبا را گرفت و دست راست خود را به سوی پروردگار بلند کرد و عرضه داشت: «اینان اهل من هستند؛ بارالها، ناپاکی را از اهل من دور ساز و ایشان را کاملاً پاک گردان. خداوند، ناپاکی را از اهل بیت دور ساز و ایشان را کاملاً پاک گردان. بارالها، اهل بیت مرا از ناپاکی دور ساز و ایشان را کاملاً پاک گردان»...^۲

این روایت را طبرانی نیز نقل کرده است که هیشمی درباره آن می‌گوید روایان همه ثقه هستند.^۳

نکات قابل توجه در این نقل

از این روایت فهمیده می‌شود مجالس عزاداری تنها نباید مجلس نوحه و ناله باشد، بلکه باید در کنار عزا، در این مجالس شخص عالم به جایگاه امامت و فضایل اهل بیت به روشنگری و تبیین

۱. یحیی شجری، ترتیب الامالی الخمسه، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. احمد ابن حنبل، مسند، ج ۴۴، ص ۱۷۳.

۳. علی هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۹۴.

جایگاه اهل بیت علیهم السلام پردازد.

نتیجه

با دقت در متون درباره عزاداری و اقامه مجلس ماتم برای امام حسین علیه السلام توسط ام سلمه، روشن می‌شود که ایشان با روش‌های مختلفی مانند برپایی مجلس عزا یا لباس سیاه پوشیدن و تبیین جایگاه اهل بیت، سعی در فرهنگ‌سازی عزاداری بین جامعه اسلامی داشته است تا با این شیوه نهضت عاشورا همیشه در ذهن‌های زنده نگه داشته شود.

فهرست منابع

۱. ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابة، چ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ ق.
۲. _____، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق: غضبان عامر، چ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ ق.
۳. ابن قولویه، جعفر، کامل الزیارات، تحقیق: بهراد الجعفري، [بی‌جا]: مکتبه الصدوق، [بی‌تا].
۴. ابن کثیر، اسماعیل، البدایة والنهایة، بیروت: مکتبه المعارف، [بی‌تا].
۵. برقی، احمد، المحاسن، تحقیق: السید جلال‌الدین الحسینی، چ اول، طهران: دار الکتب الإسلامية، [بی‌تا].
۶. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، چ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
۷. شجرى، یحیی، ترتیب الامالی الخمسه، چ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۸. طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدي بن عبدالمجید السلفی، چ دوم، موصل: مکتبه الزهراء، ۱۴۰۴ ق.
۹. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، چ اول، قم: [بی‌نا]، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ دوم، بیروت: [بی‌نا]، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. مغربی، قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، [بی‌جا]: مؤسسه نشر اسلامی، [بی‌تا].
۱۲. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، چ اول، قم: [بی‌نا]، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چ دوم، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. هیشمی، علی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، [بی‌تا].